



جلسه ۲۶

دوره هشتم تقنینیه

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

جلسه یکشنبه ۱۳ تیر ماه ۱۳۱۰ - هیجدهم صفر ۱۳۵۰

قیمت اشتراك سالیانه ۱۲۰ تومان
داشته ۱۰۰ تومان
تک شماره: یکقران
خارج ۱۲۰ تومان

مطبوعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۱۳ آذر ماه ۱۳۱۰ (۱۸ مهر ۱۳۰۹)

اهمیت مذاکرات

- | | |
|---|--|
| ۱) تصویب صورت مجلس | تصویب يك نقره از آنها فی المجلس |
| ۲) استیضاح آقای دهخدا و جواب آقای و وزیر امور خارجه واجبه | ۵) تعیین يك نقره لایحه از طرف آقای وزیر راه و نقضای تصویب آن فی المجلس |
| ۳) تصویب يك نقره مرخصی | ۶) موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه |
| ۴) تعیین يك نقره لایحه از طرف آقای وزیر عدوله و نقضای | |

مجلس يك ساعت قبل از ظهر بریاست آقای داد کر تشکیل گردید

صورت مجلس یکشنبه ششم تیر ماه را آقای مؤید احمدی (مجلسی) قرائت نمودند

۱- تصویب صورت مجلس

ولیس - آقای طباطبائی دینا .

طباطبائی دینا - بعد از تصویب صورت جلسه .

ولیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (تاییدکنندگان)

غیر - صورت مجلس تصویب شد .

آقای دهخدا و جواب آقای وزیر امور خارجه

ولیس - آقای دهخدا یاد داشت شما را خواندم آقای وزیر

امور خارجه را قبلاً در موضوع سؤال خودتان متبوق

کرده اید ؟

دهخدا - بنده از حضور آقای وزیر امور خارجه موقع را میقتنم میباشم و در موضوع سؤال مهمی که دارم از ایشان نمی‌توانم اگر ممکن شود در همین جلسه جواب بفرمایند . قانون انحصار تجارت در نتیجه بحران اقتصادی ملکیت در نتیجه عدم تعادل صادرات و واردات و در نتیجه فشار زندگی که بر طبقات مختلفه ملکیت از کارگر و زارع و مستخدم تمام اینها پیدا شد و عامه متوجه بودند که راه حل برای این موضوع پیدا کنند زندگی عمومی در ایران بواسطه تنزل

۴) عین مذاکرات مشروح سی و ششمین جلسه از دوره هشتم تقابلیه . (مطابق قانون آذر ماه ۱۳۰۹)

دائرة تهیه نویسی و تحریر صورت مجلس

۴) اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شد است : نجفین بانانلو - آقاجان تیمود بخش
 دکتر اهنام - آشتیانی - ارباب کبکسرو - چاپچوی - بنوا محمد خان وکیل - عمل - حبیبی - پروچری - امانت‌الله - آذین‌جان برعلی
 غائبین بی اجازه - آقایان : ناسری - حاج برزوا حبیب الله امین - حاج محمد رضا بهمانی - مرانی - اعظم ونگه - حاج تقی آقا
 طالب زاده - تربیت - آقازاده مودی - بیات مالکی - موخر - اسدیل خان قنوتی - غلام
 ذیر آمدکنان بی اجازه - آقایان : دکتر امیرالم - مرتضی قلیان بیات - امدی - کدلی - منوچهر زاهدی

فران که تعبیر میدهد به ترقی اسرار خارجی و ضمیمه پیدا کرد که در سنوات گذشته هیچ نظیری برای آن نبود. پوند دوازده نومان شاید سالهای زیادی بود که حتی و همبرین هم بخاطر نداشتن باشند که پوند پانین قیمت رسیده باشد. پوند دوازده نومان ۱۱۴۱۱ وضیت سبب گردید اجناس خارجی که بکفایت زیاد مال التجاره های طرف احتیاج با است ترقی کنند. این ترقی بهیچ دلیل آید و کسی عایدات مردم زیاد تر نشد بلیتاً وضیت تمام مردم زندگی مردم و عااله جا هم خورد پاک کسی که پانزده نومان بیست نومان پنجاه نومان عایدی داشت خارجش دورا برشد این وضیت فوق العاده غیر قابل تصور بود و باعث گردید که مردم تقاضا کنند بجز تقاضا کنند بالاخره وضیت عمومی مملکت تقاضا کنند که یک حدی برای این تولید شود تا تجدید کنند زندگی مردم را قانون انحصار تجارت در بین مجلس با اکثریت هکشتگی تصویب گردید این قانون بهوق اجرا گذاشته شد. در مردم یک شور و شوقی پدید آمد که ماشین آلات کارخانه و چیزهایی که بتواند آنها را از مال التجاره خارجی بی نیاز کند تهیه کنند. در طهران در آذربایجان در خراسان در سایر نقاط مملکت شروع کردند به ناسس ماشین آلات که یک قسمت آنها وارد شده و یک قسمت دیگر در ظرف وارد شدن است این جا سابقاً نمی توانستند با سرمایه شخصی خودشان کاری بکنند برای اینکه وضیت رفاه تجارتی آنها را از پانزده میاورد نظار آید. در زندگی گذشته خودشان خیلی دیده ایم و تمام آقایان هم سابقه دارند در این اثنا یک سوال وجوابی در مجلس کردهای انگلیس پیش آمده درلا میبکنن سئوالی از گردباد دور می کنند و ارمه یک جوابی میدهد این سئوال و جواب ها را آقای وزیر خارجه لایذ خوانده اند بنده مجدداً این را میخوانم. لندن - ۲۷ ژوئن در مجلس امیان در لای میبکنن در طی تطبیق که ایراد بود توجه دولت را با اثرات انحصار تجارت که در ایران برقرار شده

است مبطوف و متوجه ساخت. گرد پاروور نیز از طرف دولت اظهاراتی راجع به منافات تجاری انگلیس و ایران آورده چنین گفت: دولت موقالت مامالات و استقرار صلح در ایران مستهل می باشد. چندی است برای عقد یک عهد نامه عمومی و تجاری مذاکرات جریان دارد و تا حدی نیز موافق نظر حاصل گردیده و دولت امپراتور دارد که هرگاه ایران هم چنین اشتباهی داشته باشد مذاکرات بزودی و موافقانه خاتمه خواهد یافت.

کنترل اسرار در ایران نسبت به تجارت انگلیس ناسامعید می باشد و قوانین انحصار تجارت واردات اجناس انگلیس را محمود ساخته است وزیر مختار انگلیس در طهران راجع بقانون اسرار واکر سوه آن به تجارت تذکرات داده است به علاوه قوانینی که در ماه فوریه و مارس هجده سنه وضع گردیده تجارت خارجی را با ایران یکی متوقف ساخت. دولت ایران دلیل انحصار تجارت را بحران شدید اقتصادی در مملکت خود ذکر مینماید دولت انگلیس میل ندارد موجبات مزاحمت ایران و افرازم سازد مشروط براینکه این تنقیحات بند از افشاء این وضیت خارق العاده ادامه نیافته و تجارت انگلیس بیلازمه از رفاهت با سایر ممالک باز مانده نهد.

نظر به وضیت ممالک از نقطه نظر اوضاع اقتصادی مملکت بنده از آقای وزیر خارجه نمی میبکنم که در این موضوع نظریات دولت را بفرمایند به بنیتم چیست ؟

وزیر امور خارجه (آقای فروغی) - سؤالی جوابی که در پارلمان انگلستان راجع به تجارت ایران بعمل آمده تاکنون فقط توسط اخبار تلگرافی بما رسیده و عرضی هم که بنده میبکنم چیزی بر آن است.

در جواب سؤال نماینده مجترم توضیحات ذیل را میتوانم بدم - اولاً گرد پاروور در ضمن بیان خود آرزومندی دولت انگلیس را در ترقی و سلامت ایران مستهل اظهار نموده اند. دولت ایران از این احسان خیرخواهانه که نسبت با ایران ابراز شده است امتنان دارد

تأیید پاروور در باب انعقاد عهود تجاری و غیره اظهار نموده اب که تا یک درجه موقوفت حاصل شده و اگر دولت ایران هم مایل باشد ممکن است مذاکرات سر میماند. رفاهت بخش برسد. در این باب بطور کلی میتوانم بگویم که دولت ایران علاقه مندی کامل دارد که با تمام ممالک همجوار خود بواسطه عقد عهود و قرارداد های مقتضیه روابط خود را بچکا اکثر داد و صدیهیت برساند و اگر تنها میل ایران برای انعقاد عهود و قرارداد های مزبور کافی نبودد یقیناً امروز هیچ قرارداد و عهدنامه متقدمه در هیچ دولتی باقی نداشتیم نوقضات دولت ایران نسبت بهر کسی بسیار ساده و حق است و آرزومندی دولت ایران نسبت استقرار روابط وادیه با تمام ممالک عالم و خصوصاً ممالک همجوار مکرر اظهار شده و قابل تردید نیست ولی در محتمل نظر اساسی دولت ایران این است که کلیه قرارداد ها و عهود بر پایه محافظت حقوق مشروع مملکت ایران منعقد گردد (صحیح است) و احترام و شئون مملکت محفوظ بماند (صحیح است) و هر وقت ناخبری در انعقاد قرارداد و عهدنامه بطرد علیت آن را فقط مرعی نبودن اصول مزبور بپایند است (صحیح است) نتیجه دولت ایران بسیار مایلست که با دولت انگلیس تجدید نظر در روابط خود بنماید و آرزو این دارد در ضمن عهود و مقررات جدید تنظیم و امضا کند و امیدوار هستم که در آئینه نزدیک نماینده ایران در لندن نماینده انگلستان در طهران بتوانند موجبات انعقاد عهود لازمه را به جز از سابق فراهم نمایند که روابط بین ممالکین بر پایه های ثابتی استوار شود

قسمت سوم جواب گرد پاروور مربوط به ضمانت قانون تقش اسرار برای تجارت برطانیاست. محتاج بذکر این جانب نیست که هر مملکتی در فرآین و بهیبت خود قریل از رعایت منافع دیگران باید منتظت خود را در نظر بگیرد و برای حفظ آن تدابیر لازمه

نابیده میبود از مدیکه ضرورت و فوریت ایجاد میکند تجاوزه نمایانند فرسأ گرد مری الیه اظهار مینمایند که قوانین راجعه بانحصار تجارت تمام تجارت خارجه را با ایران بحال رهافته در آورده است. در اینکه علت توسل دولت ایران بانستقرار قانون انحصار تجارت برای جلوگیری از بحران اقتصادی مملکت بود هیچ چنی فردید نیست زیرا که انحصار تجارت مملکت اقتصادی دولت ایران نیست الا اینکه در باب تعریف بحران اقتصادی مملکت ایران و تشخیص علل آن ممکن است اختلاف نظر باشد. بقصد دولت ایران علل اصلی بحران اقتصادی مملکت در چند است. یکی تفاضل واردات بر صادرات و دیگری فقدان وسایل حمایت از صنایع داخلی و مغلوبیت آنها در مقابل رقابت خارجه (صحيح است) مملکت ایران به ملاحظه استعداد طبیعی منتهای از هیچ نوع بحران اقتصادی با ک ندارد بلکه قادر است که در ردیف ثروت مند ترین ممالک دنیا محسوب شود اما برای نیل باین مقصود حمایت دولت از ترقی صنایع داخلی و جلوگیری از رقابت خارجه و تکثیر صادرات نسبت بواردات از شرایط حتمی و ضروری است (صحيح است) برای تأمین مقاصد و نتایج فوق بهداز مقامات بسیار دولت ایران تصدیق بانستقرار انحصار تجارت خارجه کرده اند و آرا خود اکنون که باین خط وارد شده و آرا مستقر ساخته قبل از حصول منظورهای که داشته هیچ علقی در بین نیست که آرا موفق نشی کرده در فکر اسراف از آن باشد تغییر و بهبودی اوضاع اقتصادی هیچ مملکتی در مدت قلیل میسر میشود و کسی نمی تواند انکار کند که بهبودی اقتصادی خیلی تدریجی الحصول است (صحيح است) و مدام که بهبودی منظور قطعاً حاصل نلده و اوضاع تجارت و صنایع داخلی ایران محتاج بحمايت و نظارت دولت باشد قانون انحصار تجارت باقی و بر قرار باید ماند و مسلم است که ملت ایران که آرزوی تمام عناصر منور الفکر و خیرخواه از حمایت مؤثر از اوضاع اقتصادی مملکت بوده است و با حسن تلقی که از طرف مردم علاقه مند

نسبت بقانون انحصار تجارت بهمل آمده است مشکلاتی را که در اجرای آن ایجاد شود با بردباری تحمل خواهد کرد و در ایران فدا کاری از هیچ ملت دیگری چشم نخواهد آید (صحيح است) از جهت عبود و متوازن نیز حق دولت ایران در استنقرار انحصار تجارت خارجه قابل هیچگونه تردید نیست زیرا که تمام عهود موجوده تصریحاً کرده است که محدود و یا ممنوع نبوده و در اجناسی که مورد انحصار دولت و یا انحصار انظار شده از طرف دولت باشد از حقوق مسلمه دول بوده و هر دولتی حق دارد پس از استنقرار انحصار نسبت بیک جنس و یا اجناسی ورود آنها را منع و یا محدود نماید در استنقرار انحصار تجارت تکیه دولت ایران بر آن ماده از عهود نیست که دولت اجازه میدهد که برای جلوگیری از تخلفه متنافع حیثی مملکت که بحران اقتصادی شدید یکی از موارد آنست. اقدامات احتیاطی موقت بنمایند پس از مرتفع شدن علت مختلطه معاول نیز مرتفع گردد. اگر چه عهود ماده عدم میثودی خود کافی است که قانون انحصار تجارت را ناموفق کند دولت ایران که مرکز صالح برای تشخیص مرتفع شدن و یا نشدن مختلطه متنافع حیثی مملکت است محفوظ بدارد مملکت ماده دیگر در باب انحصار هست که صریحاً حق هر دولتی را در اتخاذ تدابیر و تدوین قوانین و نظامات لازمه تصدیق میکند (صحيح است) بنا بر این کسانی که میخوانند که برنو انحصار تجارت خارجه بصنایع داخلی ایران خدمت کند می تواند با نهایت اطمینان خاطر اقدامات و عملیات خود را تصدیق نمایند.

پس از ذکر آنچه که گفته شد لازم است این نکته نیز مذکور شود که ما نمیفهمیم انحصار تجارت خارجه چه طور تمام تجارت خارجه را با ایران بحال رهافته در آورده است. انحصار تجارت خارجه ایران بر روی پای خیلی ساده گذارده شده است و اگر آقابانت اجازه بدهند بطور آنچه عرض خواهیم کرد. (برفرا بید)

اولاً دولت ایران مایل است بقصد فروش مملکت و از پولی که از فروش محصولات عاید میشود جنس خریده شده و احتیاجات وارداتی مملکت تأمین شود و چون واردات ایران بر صادرات تفاضل داشت و هر چه بحران اقتصادی دنیا شدید تر و با وسایل عمل آوردن محصولات مستثنی در ملک دیگر زیاد میشد بر واردات مملکت ایران نیز میافزود لهذا دولت ایران تاگزیر بود احتیاجات مملکت و میزان صادرات را تشخیصید و در حدود مزبور ورود اجناسی را بجزد منحصر نموده بقیه را برای سایرین مجاز نماید. خواست تصدیق دستور برای تحصیل جواز ورود - طبقه بندی و تعیین کسوتهای برای اجناس ورودی و محدود نمودن هر یک از آنها به مبلغ معین در سال و استنقرار جواز ورود نتایج منطقی و شرایط حتمی تأمین مقاصد است. الزام نهی برای صادر کنندگان در فروش اسعار بدون نیز جزء همان شرایط محسوب شده و بهلاوه برای ازبیداد و اسالی است بجهت واردات مجاز و چنانکه قبلاً نیز اشاره کردم صادرات هر مملکت فقط در سورهی برای آن مملکت مفید است که حاصل فروش آن بشکل اسعار و با مالالتجاره به مملکت بر گردد. بنابراین اگر صادر کنندگان نهی اسعاری نداشته باشند. قدرتی از ثروت مملکت بشکل صادرات خارج میشود و در مملکت برای اجناس مجاز ورودی اسعار پیدا نخواهد شد (صحيح است) و فقط در این مورد است که ممکن است تجارت ممالک خارجه با ایران سده برسد. مقصود دوم دولت ایران از استنقرار قانون انحصار تجارت خارجه حمایت از صنایع داخلی است مختصر مراجعه به احصایه های اجناس ورودی نشان میدهد که علاوه بر بسیاری از اشیاء که وارد نشدن آن هیچ نوع صدمه بعیث می وارد نمیآورد حق نمک ذغال، هیزم سیب زمینی، سزی خوراکی میوه تازه گوشت ماهی تازه و امثال آن وارد میشود. اما و هیچ علقی ندارد که مملکت ایران اشیا که در دارو و یا بهر جهت میتوانند دارا بشود استعمال

نکرده و آن را از خارج وارد کند (صحيح است) اگر با رسمت نظر بشارت ایران نگاه بشود بایست کلیه ممالکی که بایما تجارت دارند با نهایت صمیمیت مشتاقی بهبودی اوضاع اقتصادی مملکت و تکثیر ثروت عمومی باشند زیرا که هر چه ثروت مملکت ایران بسط یابند و هر چه بر صنایع داخلی و صادرات ایران افزوده بشود بازار واردات آنها نیز در ایران توسعه پیدا خواهد نمود ممکن است تا چندی دیگر مملکت ایران خود قند و چای و پارچه و نخ و کبریت و سایرین و یا کتونه احتیاجات خود را تأمین کند و شاید تصور برود که این مطلب ضرر ممالک وارد کننده این اجناس است ولی بر کسی پوشیده نیست که هر ممالکی که صنایع داخلی آن روبه ترقی میکند احتیاجات ورودی آن نیز اضافه میشود و صد مقابل اجناس معمولی که بهخبرید احتیاج مثلثه ماشین آلات پیدا کرده و محتاج بخرید اسباب و لوازم ایجاد صنایع داخلی خود از خارجه میگردد. بنابر آنچه گفته شد انحصار تجارت خارجه ایران برای کلیه ممالکی که در سدد خرید و صدور اتمه ابرایی باشند و در مقابل بخواهند اجناس مجاز وارد کنند هیچ نوع مشکلاتی ایجاد نکرده است و بهلاوه مراجعه بصورت درخواست های واسله بداره کل تجارت و جواز های صادره بخوبی نشان میدهد که واقفان هم در تجارت خارجه ایران نسبت باجناس مجاز حاصل شده است (صحيح است)

[۳- تصدیق ده آفره مرخصی]

ولیس و چند نفره خبر از کبیرین مرضی و مرخصی رسیده است قرائت میشود. قبل از قرائت مرخصی ها خاطر آقایان را متوجه می سازم که آقایان چندی بود مرخصی میخواستند ولی بانظقر رسیدن تعطیل عادل نامل کرده اخیراً چون استنباط شد که کارهای معمول فوری ممکن است پیش آید و تعطیل مردم برد بنابراین مرخصی هائیکه ضرورت بود لغتیت فرموده اند این مساله رعایت شده که همیشه باندازه کمال و بعد تصاب عدد هر مرکز موجود بوده و درام کارها و پسر باشد بهلاوه آقایان یک قسمت از حقوق

خودشانرا بکار خبری که در اوراق مرخصی ملاحظه می فرمائید تخیص داده اند .
خبر مرخصی آقای فرشی
 نایبده محترم آقای فرشی برای رسیدگی باوروات محل از تاریخ بیستم تیرماه ۱۳۱۰ تقاضای دو ماه مرخصی نمودند کبسیون با اختصاص یک عشر از مقرری ایندست صرف مرخصانه حضرت عبدالعظیم با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آرا تقدیم میدارد .
ولیس - آقای ممالک
 موافق .

ولیس - مخالی ندارد ؟ (اظهار شد -) موافقت با مرخصی آقای فرشی قیام فرمائید .

(اکثر قیام نمودند)

ولیس - تصویب شد .

خبر مرخصی آقای فروزی

نایبده محترم آقای فروزی برای رسیدگی باوروات محل از تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۱۰ تقاضای دو ماه مرخصی نموده اند کبسیون با اختصاص یک عشر از مقرری ایندست بصرف مرخصانه حضرت عبدالعظیم با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آرا تقدیم میدارد .

ولیس - موافقت با مرخصی آقای فروزی قیام فرمائید (اغلب برخاستند)

ولیس - تصویب شد .

خبر مرخصی آقای عراقی

نایبده محترم آقای عراقی برای رسیدگی باوروات محل از تاریخ اول تیرماه ۱۳۱۰ تقاضای دو ماه مرخصی نموده اند کبسیون با اختصاص یک عشر از مقرری ایندست بصرف مرخصانه حضرت عبدالعظیم با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آرا تقدیم میدارد .
ولیس - مرخصی آقای عراقی را آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمائید .

(عده زیادی قیام نمودند)

ولیس - تصویب شد .
خبر مرخصی آقای اقبال
 نایبده محترم آقای اقبال برای رسیدگی باوروات محل از تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۱۰ تقاضای چهار روز مرخصی نمودند کبسیون با اختصاص یک عشر از مقرری این مدت بصرف مرخصانه حضرت عبدالعظیم با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آرا تقدیم میدارد .
ولیس - آقایانیکه کبما مرخصی آقای اقبال موافقت دارند قیام فرمائید .
 (اکثر برخاستند)

ولیس - تصویب شد .

خبر مرخصی آقای اسکندری

نایبده محترم آقای اسکندری برای رسیدگی باوروات محل از تاریخ ۲۷ تیرماه تقاضای دو ماه مرخصی نمودند کبسیون با اختصاص یک عشر از مقرری این مدت به صرف مرخصانه حضرت عبدالعظیم با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آرا تقدیم میدارد .

ولیس - موافقت با مرخصی آقای اسکندری قیام فرمائید .

(عده زیادی برخاستند)

ولیس - تصویب شد .

خبر مرخصی آقای مقدم

نایبده محترم آقای مقدم برای رسیدگی باوروات محل از تاریخ بیستم تیرماه ۱۳۱۰ تقاضای یک ماه مرخصی نمودند کبسیون با اختصاص یک عشر از مقرری این مدت بصرف مرخصانه حضرت عبدالعظیم با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آرا تقدیم میدارد .

ولیس - موافقت با مرخصی آقای مقدم قیام فرمائید .
 (اکثر برخاستند)

ولیس - تصویب شد .

خبر مرخصی آقای امیر ابراهیمی

نایبده محترم آقای امیر ابراهیمی از تاریخ بیست و

هفتم تیرماه ۱۳۱۰ تقاضای دو ماه مرخصی نموده اند کبسیون با اختصاص یکمشر از حقوق این مدت بصرف مرخصانه حضرت عبدالعظیم با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آرا تقدیم میدارد .
ولیس - موافقت با مرخصی آقای امیر ابراهیمی قیام فرمائید .

(اغلب قیام نمودند)

ولیس - تصویب شد .

خبر مرخصی آقای باستانی

نایبده محترم آقای باستانی برای رسیدگی باوروات محل از تاریخ یکشنبه ۲۰ تیرماه تقاضای دو ماه مرخصی نموده اند کبسیون با اختصاص یکمشر از مقرری ایندست بصرف مرخصانه حضرت عبدالعظیم با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آرا تقدیم میدارد .

ولیس - موافقت با مرخصی آقای باستانی قیام فرمائید (عده زیادی برخاستند)

ولیس - تصویب شد .

خبر مرخصی آقای ارباب کبیسرو

نایبده محترم آقای ارباب کبیسرو شاهرخ از تاریخ ۱۰ تیرماه ۱۳۱۰ تقاضای یک ماهه بصرف مرخصی نموده اند کبسیون با اختصاص یکمشر از مقرری ایندست بصرف مرخصانه حضرت عبدالعظیم با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آرا تقدیم میدارد .

ولیس - موافقت با مرخصی آقای ارباب کبیسرو قیام فرمائید .

(اکثر برخاستند)

ولیس - تصویب شد .

خبر مرخصی آقای مردهی

نایبده محترم آقای مردهی برای رسیدگی باوروات محل از تاریخ اول مردادماه ۱۳۱۰ تقاضای ۴۵ روز مرخصی نموده اند کبسیون با اختصاص یکمشر از مقرری مدت مزبور بصرف مرخصانه حضرت عبدالعظیم با تقاضای

ایشان موافق و اینک خبر آرا تقدیم میدارد .
ولیس - موافقت با مرخصی آقای مردهی قیام فرمائید (اکثر قیام نمودند)
تصویب شد .

۴ - تقدیم سه فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه و تقاضای تصویب یکفقره آن فی المجلس
وزیر عدلیه - سه لایحه است تقدیم میکنم دو لایحه به کبسیون عدلیه خواهد رفت وراجع بیک دیگر آزان لوابیح که مربوط بهروز زمان منقول است تقاضای دو فوریت میکنم که آقایان موافقت فرمایند که نزدیک بآخر وقت هشتم بلکه امروز تمام شود .

ولیس - قرائت میشود .

ساحت محترم مجلس شورای ملی شیداقت ارکانه نظر باینکه در قوانین موجوده نفل برای تبیین اثرانی که ممکن است ازتعلق نظر قطع مرور زمان عرضحال یا اظهارنامه رسمی دموارد خاصی تولید نماید مقرراتی مبین نشده است و ممکن است که این موضوع موجب اشکال در محاکم گردد لذا مواد ذیل پیشنهاد و تقاضای تصویب آن می شود .

ماده ۱ - اگر کسی بوسیله عرضحال رسمی با اظهارنامه قانونی حق خود را از دیگری مطالبه نماید و بد معلوم شود که طرف دول تاریخ تقدیم عرضحال یا اظهارنامه در حال حیوة نبوده و یا اگر طرف شرکتی بوده آن شرکت در تاریخ مزبور منحل بوده است این عرضحال یا اظهارنامه برای قطع مرور زمان بر علیه وراثت و یا بر علیه اشخاص یا شرکتهایی که قائم مقام شرکت منحل شده اند و پاسطول نهادهات او میباشد کافی خواهد بود .

ماده ۲ - تقدیم عرضحال رسمی و با اظهارنامه قانونی بعنوان وراثت طرف بدون تبیین اسامی و اسمحل اقامت آنان و با بعنوان اشخاص و یا شرکتی که قائم مقام شرکت منحل گردیده و پاسطول نهادهات او میباشد برای قطع مرور زمان کافی خواهد بود .

ماده ۳ - اگر کسی قبل از اقباض مهلت دوسالگیکه بموجب ماده ۸ قانون مرور زمان مصوب ۲ تیرماه

۱۳۰۸ قمری است. بوسیله عرضحال رسمی با اظهارنامه قانونی حق خود را مطالبه کرده باشد مدت مزبور منقطع نشود مدت جدیدی که برای حصول مرور زمان لازم است یکسال از تاریخ اقطاع خواهد بود علاوه برقیه مدت درسال قبیل از اقطاع - اقطاع مهلت مذکور فوق فقط یک دهم ممکن است.

ولیر عدلیه - فوریت مطرح است. آقای ونوق.

مجلس مرتضی خان ونوق - بنده موافق با اصل قانون مرور زمان منقول در مجلس مطرح بود مخالفت کردم دلیل مخالفت من خیلی واضح بود مخالفت بنده دروین این نسبت است که اگر اهالی ملکیت عموماً آشنا باشند بتوانن وکاملاً حقوق خودشان را حفظ بکنند دراز داشتن قوانین بنده عرضی ندارم ولی مملکت ما که تازه قدم پیچاده ترقی میگذارد و فعلاً غالب ساکنین آن عسایر و ایلات و دهقانی است و از قوانین موضوعه اطلاعات ندارند قانون مرور زمان آنها مراد به سال در منقول حقوق آنها را ازین میرسد بنده اصولاً حرفی ندارم اگر یک مدت ممتدی دربار مرور زمان مین شود برای اینکه دعای قطع بشود وسعاً کم هم ازاین حیث راحت بشوند ولی مدت دمسال مرور زمان گذشتن و دقیقه وساعت باعث شود که حقوق مردم ازین بررویان مطابق با فلسفه و منطق نیست مگر اینکه مرور زمان چهل بنجاه سال باشد این البته صحیح است. اما راجع باین لایحه عقیده بنده این است روی همین فلسفه که عرض می کردم و الا آن بیشتر مردم ساکنین شهر که از قوانین بکنندوی بیشتر اطلاع دارند نتوانستند از قوانین استفاده کنند مردم خارج از کجیا میدانند که مرور زمان میگذرد و باید عرضحال رسمی بدهد که مرور زمان را قطع کند و بعد یکسال مدت داشته باشد که بنوامه عرضحال رسمی بدهد والا حقوق او بیاعمال می شود بنده با فوریت این لایحه مخالفم برای اینکه اگر آقای وزیر عدلیه موافقت نفرمایند تمدید بدهند اصل آن لایحه مرور زمان را هم منظور که درجلسه خصوصی عرض کردم که تا یکسال تمدید بکنند و بومر ساکنین قرا، و نصبات و ایلات اعلان

بکنند که نامتد یکسال اگر یک کسی از شخصی طلب دارد اظهار نامه بدهد یا عرضحال بدهد پنی دمسال مطالبه رسمی بگراید و حقوق او ازین زود بهر وسیله که ممکن است باید با آنها اطلاع داد و بعد از یکسال اگر رفتند که در صد مطالبه حقوق خودشان بر بیاید بعد آن وقت آنت قانون بگری شود پس اصغر عوش این قانون آن قانون و یکسال تمدید نفرمایند بقیه بنده بهتر ازاین است حالا بچی عرضی دیگر هم دارم که در داخل مواد عرض می کنم.

ولیر عدلیه - در سابق هم نماینده محترم اظهار عذرت کرده بنده جواب عرض کردم بایم تکرار بکنم مرور زمان هم مثل هر قانون دیگری باید یک بنده مضری است و یک جنبه های مندی البته وقتی که طرف آن کسی را بگیریم که دنبال کار خودش نمیرود و یک دعوی را میگذارد کهنه بنده و وقتی دلائل یک طوری است که بواسطه گذشتن مدت زیادی تشخیص متکا است و بعد از چند سال زحمت تازه بالاخره بتوانی انسان بطور اطمینان بگوید روی این دلائل حق با او است یا خیر اگر یک همچو آدمی را فرض کنیم که مامله کرده است و سماحه کرده است و حشش ازین رفه است و بگویی که خوب چرا بگذاردیم حق این آدم را بین برود ولی از طرف دیگر اگر فرض کنیم شخصی را بگیریم که بگویند اگر کسی بر ما ادعائی دارد باید و حرفش را بر نه تا وقتی که بنده زنده هستم حرفش را بزند تا وقتی که بنده استاد خود را میخوانم نگاهدارم و بعد مقابل استاد آن شخص یک اسنادی یادآورم نه آنکه بگذارد یک مدت زیادی بگذرد و بعد اسنادش را یادورم که شاید من در مقابل آن اسناد یک اسنادی داشتم و ازین رفه است و در یک آرشیبویک دستکام شبلی باصلاح آنها نگاه داشته ام اگر این طرف را در نظر بگیریم باید بگویم که این قانون قانون خوبی است و از قضا نظر اصلاحات خیلی مفید است و بالاخره اگر این اصل را قبول کنیم که مرور زمان جمع و خوج کرده و دوبهره یک قانونی است که منتهش بیشتر از ضررش است. اگر در این اصل با من موافق باشید آنوقت بنده قسم دوم فرمایشات آقای را جواب عرض میکنم بمراد

آنکه آیا بفرمایند که مردم اطلاع ندادند شما یک کاری بکنید یک مدتی بماند بدهید شش ماه یکسال و در قرا، و نصبات اعلان کنید که مردم مطلع شوند که اگر شش ماه بماند بفرمایند بفرمایند مطالبه کنند. اولاد و نورا چه وادار کرده که یک عده از افراد مملکت را بر علیه چه وادار کرده که یک عده از افراد مملکت را بر علیه وادار کرده هر کسی اگر حقی دارد خودش را دارای حق میدانند برود آن حق خودش را ثابت بکند و احقاق حق خودش را بکند بنده عرض میکنم اگر دلیل آقرا بنده بفرماید که دیگر شش ماه کافی نیست اگر اطلاع رساندن بمرود و حالی کردن بمرود ما با یایم باخذ کار قرار داده و بگویی با نذانه باید مهلت داد تا وقتی که مردم بفهمند بنده تصور میکنم که چندین ده سال لازم است و با شش ماه مطلع نخواهند شد بالاخره بنده سابقاً هم به آقا عرض کردم قانون را دو قسم میشود فوهمه یکی در مدرسه که یک مدراس میبند است مثل مدرسه حقوق که یکده آچند سال زحمت بکنند و تحصیل میکنند و میفهمند یک راه دیگر در زندگانی است همانطور که از اشخاصی که بپر سید از مردمان قبل که اطلاع هم که بپر سید یک اطلاعات خیلی اجالی و کلی در معاملاتشان دارند این اطلاعات اجملی و کلی را در مدرسه یاد نگرفته اند از نطق و فرمایشات آقا با اعتراض و بیانات بنده هم چیزی دستگیر نشده است از روزنامه هم این مطالب را بدست نیآورده اند در ضمن عمل یاد گرفته اند بمرور ایام یک اطلاعاتی تا اندازه که احتیاج خودی را واقع بدست آورده است قانون مرور زمان هم وقتی که در عمل آمد و جاری شد بیوانی بوانی مردم مشتت میشوند که اگر طلبی داشته باشند با یستی زودتر برون لقب کنند و اگر یک مدتی گذشت آنوقت دیگر عدلیه حرف آنها را گوش نمیکند آقا طرف اشخاصی را میگیرند که ممکن است مدعی باشند وارونه آن ممکن است طرف اشخاصی را بگیرند که ممکن است مدعی علیه باشند بالاخره برای هر دو طرف هست و همانطوری که این قانون از برای بکنده که رفه کند و اهدال کرده اند ممکن است مضر

باشد آنطوری که آقا میفرمایند همانطور هم از برای بکنده و اشخاصی که هستند که تکلیفشان روشن میشود و میدانند فردا صبح بر فردا روز بیاورم نیز که گذشت نسبت بآن دعای خیلی گنه که مرور زمان برش جاری شده بود و مدت دو سال هم که به مدعی مهلت داده بودند اظهارنامه و عرضحال نداده است دیگر نمیتواند ادعائی بکند و آن اشخاصی دیگری که ممکن است مدعی علیه فرض کرد یک نفس را حاشی می کنند و هر روز دارائی آن شخص مورد تهدید واقع نمیشود پس بنابر این بنده عرض میکنم اگر با اصل قانون مرور زمان موافقت داشته باشید آنوقت در مسئله مهلت بنده بعد دلیل میتوانم باقی ثابت کنم که بنده خود یکی این که آن مهلت کافی نخواهد بود و اگر نخواهد مردم بفهمند شش ماه کافی نخواهد بود و یا که شش سال هم کافی نخواهد بود و اگر بنده بگویم شصت سال اغراق میشود و دیگر اینکه مردم بیشتر افضال میشوند همینقدر در یک قانونی که می استثناء قائل شدید و مدت را تمدید دادید دیگر دنبال بیرونه مثل امروز که ما میآیم اعلان میکنم در ثبت املاک و میگویند که هر کس ادعائی دارد تا بود روز و در یک مواری تا شصت روز اگر حرفی دارد بیرونه اعتراض بدهد و الا بعد نمی پذیریم بل ممکن است اگر یک عده غفلت کنند حششان از این بیرونه مرور زمان هم همانطور است این است که بنده نمی میکنم آقایان هم موافقت نفرمایند وارد در موشوم بگویم زودتر این قانون بگذرد جمعی از نمایندگان - مدا کرات کلی است. ولیر - آقا بایستی که با فوریت لایحه موافقت قیام فرمایند. (اغلب بر خاستند) ولیر - تصویب شده فوریت ثانی مطرح است. عثمانی نیست (گفته شد خیر) موافقین با فوریت ثانی قیام فرمایند (اکتاف قیام نمودند) ولیر - تصویب شده مذاکرات در کلیات است

(پیش از نماندگان - مخانی ندارد) آقابانگه ورود در مواد را معتقد قیام فرماید

(اکثر نماندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود:

ماده اول - اگر کسی بوسیله عرضحال رسمی یا اظهارنامه نامۀ قانونی حق خود را از دیگری مطالبه نماید و بعد معلوم شود که طرف در تاریخ تقدیم عرضحال یا اظهارنامه در حال حیوة بوده و یا اگر طرف شرکتی بوده آن شرکت در تاریخ مزبور منحل بوده است این عرضحال یا اظهارنامه برای قطع مرور زمان بر علیه وراث متوفی یا بر علیه اشخاص یا شرکتی که قائم مقام شرکت متوفی شده اند و با مسئول تهمدات او میباشند کافی خواهد بود

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافق

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - موافق

رئیس - آقای طباطبائی دیا

طباطبائی دیا - بنده باین ماده موافق لیکن میخوانم از آقای وزیر عدلیه سؤال کنم که نسبت به عرضحال پانزده روز آخر مدت است و فرض کنیم دو سه روز دیگر تقریباً مانده است اگر امروز بکنفر عرضحال داده است بمعنی که فرض کنیم که این عرضحال یک نواقص داشته باشد و مراجعۀ شود بصحاب عرضحال برای ترمیم آن مدت قانونی آهم پنج روز است آقوقت مدت قانونی مرور زمام گذشته است نسبت باین قبیل عرضحاله آقوقت تکلیف چیست؟ این را ممکن است جواب بفرمایند که معلوم شود.

وزیر عدلیه - عرضحال وقتیکه داده شد اقامه دعوی

اگر نواقص دارد اخطار میکند باو مطابق مقررات اصول محاکمات حقوقی در صورتیکه در مدت مقرر تکمیل نکرد آقوقت قرار ردش را خواهند داد بنابراین فرضی را که آقا کردید که دروز فرما باخر مدت مانده عرضحالی میدهد

و بعد معلوم میشود که ناقص است مرور زمان در هر صورت بواسطۀ دادن عرضحال قطع میشود ولو اینکه نواقص داشته باشند و محتاج باشند باینکه بعد تکمیل بکنند

الف - صحیح است. خیلی خوب توضیحی بود.

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده عرضم این بود که بر طبق قانون مرور زمان دادن عرضحال که قطع میکند مرور زمان را محتاج نیست باین ماده که حالا تقدیم شد است اینرا اینکه در اینجا می نویسند که عرضحال بطرف که حق است برسد ماده چهار قانون مرور زمان دیگری (هرگاه کسی که مرور زمان بر علیه او جریان دارد بوسیله عرضحال رسمی یا اظهارنامه قانونی حق خود را مطالبه کند) پس حالا که ما بوسیله عرضحال حق خودمان را مطالبه کردیم مرور زمان را حق در این منقطع بکنیم اگر چه طرف مرده باشد یا زنده بمقتدیه بنده این ماده چهار نظریه آقای وزیر عدلیه را تأمین میکنند اصولاً اگر چنانچه کسی خیال کند طایب دارد و یا حق دارد از کسی عرضحالی داد طرف مرده بود یا شرکتی منحل شده بود بوسیله دادن عرضحال رسمی مرور زمان قطع میشود میخواستیم ببینیم چطور شده که این ماده را آوردند در صورتیکه تأمین بوده است.

وزیر عدلیه - لابد بنظر بنده که لاجزای آورده ام مطلب قبیل بحث بوده اگر بآن انداره که آقا میفرمایند مطلب قطعی و روشن بود و در حق نمیشد سکرت بنده خودم را محتاج میباشم با آوردن این لایحه و آقایان را بمرحمت نپایداختن استدلال آقا بالاخره این میشود که در قانون فعلی هم همین است بیامرز دیگر این لایحه توضیح واضح است بسیار خوب این توضیح واضح را که رأی دادید مطلب حل میشود

رئیس - آقابانگه با ماده اول موافقت دارند قیام فرماید.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم قرائت میشود:

ماده دوم - تقدیم عرضحال رسمی یا اظهارنامه قانونی بعنوان وراث طرف بدون تعیین اسمی و با عمل اقامت آن و یا بعنوان اشخاص و یا شرکتی که قائم مقام شرکت منحل گردیده و با مسئول تهمدات او میباشند برای قطع مرور زمان کافی خواهد بود.

رئیس - آقای روحی

روحی - موافق

جمعی از نماندگان - مخانی نیست.

رئیس - موافقت با ماده دوم قیام فرماید

(عده کثیری برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده سوم قرائت میشود.

ماده ۳ - اگر کسی قبل از افضاء مدت دو ساله که بموجب ماده ۸ قانون مرور زمان موصوب ۲ بر سه ماه ۱۳۰۸ مقرر است بوسیله عرضحال رسمی یا اظهارنامه قانونی حق خود را مطالبه کرده باشد مدت مزبور منقطع شد و مدت جدیدی که برای حصول مرور زمان لازم است بیکال از تاریخ انقضاء خواهد بود علاوه بر بقیه مدت دو سال قبل از انقضاء - انقطاع مهلت مذکور فوق فقط یکدفعه ممکن است

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده عرضم تقریباً عکس فرمایشات آقای وثوق است بنده بهترین قانونیکه در این ملک است گذشته است از حیث عمل قانون مرور زمان را می دالم از حیث عدل بهترین قوانین است بعلت اینکه دعوی را فرحت میکند باید یک حدی فرار داد بنده یک طلیعی دارم از فلان نام بیکال معنی است سرال شده است نداده در سال هم بنده مطالبه نکردم دو سال هم مهلت دادند نکردم این چه حسی است خود بنده امر اعراض کردم و البته اطلاع دارم که در قواعد کلی خود مدات هست از سابق که هر کسی حقش دارد و ده سال مطالبه نکرد دیگر حق ندارد (وثوق) همچو چیزی نیست) بنده حاضریم عین عبارتش را بخوانم من له حق و لم مطالبه عشر سنین لیس له آن مطالبه در جواهر شیخ محمد حسن روایت شده

است هر وقت هم بخوانید بنده ارائه میدهم عرض کنم خدمت حضرتعالی که بنده در قسمت ماده سوم مخالفتم از آنطرف است که چرا دیگر مهلت بمیدهد در ماده سوم گفتیم اگر آمده است در مدت دوسالی که مهلت دادیم عرضحال داده بنده همچو حس میکنم که غرض آقای وزیر عدلیه اینست که اگر آمد و عرضحال داد و تقصیر نکرد در مدت قانونی عرضحال و اظهارنامه داده است لکن تقصیر نکرد مرور زمان را قطع کرد لکن تقصیر نکرد **روحی** - موافق

جمعی از نماندگان - مخانی نیست.

رئیس - موافقت با ماده دوم قیام فرماید

(عده کثیری برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده سوم قرائت میشود.

ماده ۳ - اگر کسی قبل از افضاء مدت دو ساله که بموجب ماده ۸ قانون مرور زمان موصوب ۲ بر سه ماه ۱۳۰۸ مقرر است بوسیله عرضحال رسمی یا اظهارنامه قانونی حق خود را مطالبه کرده باشد مدت مزبور منقطع شد و مدت جدیدی که برای حصول مرور زمان لازم است بیکال از تاریخ انقضاء خواهد بود علاوه بر بقیه مدت دو سال قبل از انقضاء - انقطاع مهلت مذکور فوق فقط یکدفعه ممکن است

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده عرضم تقریباً عکس فرمایشات آقای وثوق است بنده بهترین قانونیکه در این ملک است گذشته است از حیث عمل قانون مرور زمان را می دالم از حیث عدل بهترین قوانین است بعلت اینکه دعوی را فرحت میکند باید یک حدی فرار داد بنده یک طلیعی دارم از فلان نام بیکال معنی است سرال شده است نداده در سال هم بنده مطالبه نکردم دو سال هم مهلت دادند نکردم این چه حسی است خود بنده امر اعراض کردم و البته اطلاع دارم که در قواعد کلی خود مدات هست از سابق که هر کسی حقش دارد و ده سال مطالبه نکرد دیگر حق ندارد (وثوق) همچو چیزی نیست) بنده حاضریم عین عبارتش را بخوانم من له حق و لم مطالبه عشر سنین لیس له آن مطالبه در جواهر شیخ محمد حسن روایت شده

مهلت میدهم و بالاخره هلم چرا

وزیر عدلیه - بنده نمیخواهم خیلی مفصل به آقا عرض کرده باشم اما آنچه این تغییر میفرمایند که بموجب ماده هفتم قانون که ما آمدیم اینجا بهش اشاره میکنیم مرور زمان بوسیله دادن عرضحال و اظهارنامه در این مدت دو سال قطع نمیشد و این چیزی که ما اینجا نوشته ایم یک قسم مهلتی است بنده عقیده ام این است که در این هم میشود بحث کرد که آیا در خود آن قانون در خود آن اظهارنامه و عرضحالی که داده میشد قطع مرور زمان بود یا خیر و از برای روشن کردن قضیه اینرا آوردیم که بر فرض که يك عده هم باشند باین عقیده چون از قانون ممکن است اینطور بریاید و اینطور استدلال بکنند که مدت مرور زمان قابل انقضاء است و حتی این دوسالی که اینجا مهلت داده شده است ممکن است

این استدلال بشود چنانکه بعضی آقایان به بنده میگویند ضرورت نداشت این بود که ما آدمیان این ماده سه را در اینجا گذاشتیم مدتی هم روی مرتبه بعد از تجدید نگذاشتیم زیاد شود که برود روی سه سال و یکسال هم که در قانون هست فقط یکسال گذاشتیم بنده تصور میکنم که در قانون همان حدی باشد که در قانون پیش بینی شده نه فرمایشات آقای وثوق که میفرمایند يك مدتی هم مهلت داده شود نه فرمایشی که آقای میرمیرانند که گمانی هم کامدند و در ظرف این سال اظهارنامه داده و با عرض حال داده اند تعقیب نکرده اند مرور زمان قطع بشود و اگر مواقت بفرمایند در همین حد وسط شاید بهتر باشد

جمعی از نمایندگان - کالی است
 وحی - بنده مخالفم
 رئیس - نوبه آقای است
 عده از نمایندگان - کالی است مذاکرات
 رئیس - آقایان که مذاکرات را کالی میدانند قیام فرمایند

پیشنهاد وحی

پیشنهاد میکنم که آقای وزیر عدلیه توضیح دهند که مراد از ابلاغ و اظهار نامه قانونی که در این قانون ذکر شده چیست ؟

وحی - آقایان وقتی که مذاکرات هست میفرمایند مذاکرات کالی است آنوقت هم مجال نمیدهند کسی حرف خودش را بزند انسان مجبور است بپرسد که نظامنامه اجازه میدهد متوسل شود که حرف خودش را بزند در این ماده ذکر شده است اظهار ادعای قانونی بنده خواستم توضیح بدهند

وزیر عدلیه

اولاً راجع بانظارنامه کالی آنچه بنده استنباط کردم مقصود آقا کوبا این است که اظهار نامه ها چه روز ابلاغ میشود بسیار خوب صرف نظر از آن فلسفه که الان توضیح دادم که صرف دادن اظهار نامه آن قاطع مرور زمان است به آن تاریخی که ابلاغ میشود بعلاوه عرصه میگویم که اظهار نامه مطابق همان ترقیبی که عرضحال ابلاغ میشود ابلاغ میشود یعنی اگر عمل اقامت را نمیدانند میبرسند بالاخره اعلان میکنند و بالاخره هر طور که عرضحال ابلاغ میشود اظهار نامه هم ابلاغ میشود

رئیس - پیشنهاد آقای وحی فراغت میشود

پیشنهاد آقای وحی

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم - ماده الحاقیه - این قانون بلافاصله پس از تصویب بوقوع اجرا گذارده میشود

رئیس - بدو رأی میگیرم بماده سوم موافقتن قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد حالا پیشنهاد آقای وحی قرائت میشود

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم :
 ماده الحاقیه - این قانون بلافاصله پس از تصویب بوقوع اجرا گذارده میشود

رئیس - آقای وحی

عرض کنم معمولاً قوانین يك موقع اجرای در شان است و این قانون چون بقید فوریت بوده ضرورت بنظر الزام میکند که بلافاصله این قانون اجرا شود

وزیر عدلیه - اشکالی ندارد بنده موافقم که این ماده طرز ماده چهارم در این قانون باشد و تاریخ اجرای این قانون از تاریخ تصویب باشد تاریخ اجرا صریحاً معلوم نماند

رئیس - آقایان که باماده الحاقیه پیشنهادی آقای وحی که آقای وزیر عدلیه قبول فرمودند موافقت فرمایند

رئیس - تصویب شد

ماده الحاقیه دیگری از آقای وثوق رسیده است قرائت میشود

مقام متبوع ریاست مجلس شورای ملی
 ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم

اشخاصیکه در مسافرت بوده و در مدت قانونی بجهانی نخواستند اند حاضر بشوند بعد از ثبوت آن در محکمه تمیز بنظر آن ماده سوم استفاده نمایند

رئیس - آقای وثوق

وثوق - بنده چون در این قانون دیدم درجه ارتقا یافتن با اجازه است که اگر يك کسی عرضحال بدهد در ماده اولش برای يك کسی قوت میکند فوراً می تواند برای روزهای عرضحال بدهد اگر يك کسی مسافر باشد در يك جای گیر کرده باشد و نتواند در محکم رسد که از قوت استفاده کرده باشد در اینصورت چه باید بکند اگر

موافقت فرمایند بنده این پیشنهاد را کردم می آید دلایل خودش را بدهد تمیز بفرمایند بگری که حضرتعالی موافقت فرمایند اقامه کند اگر دلایلش موجه بود که در موعده مین بامریض بوده توانست است خودش را برساند یا قرائتیه بوده است در سرحد در موقع توانست است یابد از موقع استفاده بکند این عرض بنده بود

وزیر عدلیه - اغلب آقایان ملاحظه فرموده اند که اغلب قوانین که راجع به عدلیه است خیلی اختراش دارم از این که به مجلس یادوم برای اینکه خیلی دقیق است مثل چرخهای ساعت که اگر خیلی دست بزند ممکن است آن ساعت خراب شود قانونی که باید اینجا خیلی محل بحث می شود بنده در این موضوعی که آقا میفرمایند وارد این قسمت نمی شوم که اگر از این قبیل بحثهایی که میفرمایند بخواهم بگویم بقدر از اینهاست مختصر بآن بپردازم نیست که در قرائتیه بوده است و یا مرضی بوده است یک چیزهای دیگری هم هست که ممکن است این بپایه سر وقت هم آمده باشد دست دم آخر حرکت کرده نسیاعت باخر وقت مانده برسد دو ساعت وقت داشته حالا این بپایه که يك قدری دیر حرکت کرده حشش ازین برود !! فقط چیزی که عرض میکنم این است که نمائندگان آقایان دیگر ماده واحده ماده الحاقیه ندهند بگذارید بگذرد بعد از این قوانین را می برم در کمیسیون عدلیه با سر فارغ اتمام تشریف یادورید

رئیس - بنده هم مسترد میکنم

رئیس - مذاکره در کلیات است اشکالی نیست ؟ (کت شد - خبری رای میگیرم به مجموع قانون آقایان موافقتن قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

(۵ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه و تقاضای تصویب آن فی المجلس)

وزیر مالیه بنده يك ماده واحده مختصری دارم که بجهانی تقاضای فوریت کردم و چون بعضی آقایان

تایک ابتداء ذمضان مسیوق است بقی دادم هرچه زودتر آرا تصویب میفرماید.

ساحت محرم مجلس شورای ملی .

چون مضمون قانونی صدور مسکوک بطور مطلق یعنی اوقات متخالف صلاح امور تجاری است و بنا بر این حتی درموردی که در مقابل صدور مسکوک قمر ممکن است مائل رسمی آن از اسعار خارج تحصیل شود و نیز دست دولت از دادن اجازه صدور بسته است لهذا برای رفع این منصف ماده واحده ذیل بینه دو فوریت پیشنهاد می شود:

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است درموردیکه دولت خروج قمره مسکوک سالها از ایران صلاح بداند اجازه خروج بدهد مشروط براینکه خارج کنندۀ نموده فروش اسعار برتری که کمر از فرغ رسمی باشد بنماید

رئیس - فوریت مطرح است غنائی نیست و (اظهاری شد) آقایانی که موافقت با فوریت اول قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. فوریت ثانی مطرح است. اشکالی نیست و (گفته شد خبر) رأی میکبریم آقایانی که با فوریت ثانی موافقت قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام کردند)

رئیس - تصویب شد. ماده واحده مطرح است آقای دکتر طهرانی .

ولیر مالیه - بنده بک عرض مختصری دارم اجازه میفرمایند دراینجا که نوشته است برتری که کمتر از فرغ رسمی نباشد ظاهر مطلب را اینطور که فایده که قیمت اسعار خارجی کمتر باشد و این ممکن است تولید سوء قاهر بکند بطوری که آقایان بعضی ها توضیح دادند شاید صریحتر و بهتر این باشد که نویسم پشتر از فرغ رسمی نباشد منظور ما این است که مثلا اگر لبره تومومان است از تومومان پشتر بخردیم و این و اینقدر است و پشتر مقصود ما برساند اگر اجازه می فرماید اینطور نوشته شود.

رئیس - ممکن است تصحیح بفرمایید آقای دکتر طهرانی .

دکتر طهرانی - عرضی که بنده داشتم این بود که آن قانون متمم قانون اسعار که گذشت در آن قانون یک ماده هست که مسکوک قمره ممکن نیست خارج شود مگر درصورتیکه مسیوب شود و بریده شود و اینکه یک علائمی درویش گذاشته شود و در همان موقع ملاک شود که علت اینکه مسکوک قمره باید وقتی خارج می شود مسیوب شود چه چیزاست وجود بنده از استخفا بودم که باعث صدور مسکوک قمره متخالف بودم ولی حالا که قانون انحصار تجارت گذشت است و یک مفروضی را معین کرده است برای چیزهایی که صادر می شود در مقابلش تمهاتی باشد برای فروش اسعارش و باز شرایطی هست برای معایت از فروش اسعار یک قانونی هست بنده نماندم اینجا درمورد صدور مسکوک قمره چسبورتی پیدا خواهد کرد آن ماده که درج نمودم قمره است بنده حالا فرات میکم نماندیکه با این قانونی که حالا میخواهد بگذرد چسبورتی پیدا می کند. در قانون متمم اسعار ماده چهارم نوشته: صدور قمره مسکوک و یا شمش قمره آزاد خواهد بود ولی مشروط براینکه اولاً مقررات ماده اول رعایت شود و ثانیاً صدور مزبور به کبسیون تقبض اسعار قبلاً اطلاع داده شود مسکوک ایران قبل از صدور باید بوسیله خوردن مهر و یا علامت مخصوص و بریده شدن از قابلیت رواج خارج شود دراین ماده اجازه داده شد است که مسکوک مسیوب پیش مسکوک که از قابلیت رواجی خارج شده از مملکت خارج شود با تمهاتی که در ماده اول و دوم این قانون هست آن تمهات را چه چیز است عبارت از این است که سدی نود باید اساعار را به دولت بفرشد و اگر چنانچه جنسی وارد یکد سدی پنجاه آذ آن را می تواند جنسی وارد یکد عین ماده را میخوانم: ماده اول کلیه صادر کنندگان مکلف هست سدی نود اسعار خارجی خود را که از فروش مال التجاره صادره حاصل می شود بدینطرف بست درویش است از بدست آوردن اسعار مذکور به دولت و یا بانکهای که

از طرف دولت برای این مقصود مین می شوند بفرشند ولی هرگاه دارندگان اسعار مزبور تمهید بکنند که در مدت لازمه برای ورود در مقابل پنجاه در صد اسعار خود مال التجاره های را که تحصیل اسعار برای خرید آنها محتاج به اجازه کبسیون تقبض اسعار نیست وارد نمایند از فروش سدی پنجاه مزبور معاف خواهند بود. مقصود عزم این است که ما در قانونی که قبلاً گذرانیم و در جلسه خصوصی هم آقای طهرانی تذکر دادند این اشکال را حالا که مراجع کردیم اگر چنانچه بخواهیم مسکوک صحیح را صادر کنیم مسکوک صحیح را که بنده قبلاً هم موافق بودم ولی حالا که قانون انحصار تجارت آمده است ما می توانیم در مقابل صدور مسکوک سدی شصت مال التجاره وارد کنیم و از این جهت آیا دولت با آقای وزیر مالیه برای اینکه آن پول باقی بماند در مملکت و در مقابل بیرون رفتن اسعار خارجی که تحصیل می شود بماند و مال التجاره خارجی که وارد می شود در مقابلش چیزهای دیگر گرفته اند نماند.

ولیر مالیه - تذکری که آقای دکتر طهرانی فرمودند واضح بدونیکه بود یکی اینکه آیا اجازه خروج مسکوک قمره معایت دارد با آن قانونی که گذشت است که آنچه گفته اند مسکوک قمره را وقتی می شود خارج کرد که فلان و فلان شرایط را باید ابقاء کرده باشد و یکی از آن شرایط این است که باید بشکند و یا علائمی به آن بگذرانند. اگر بنا بود که مسکوک قمره را بشکند یا علامت بزیم هیچ محتاج به آوردن لایحه جدید و گرفتن اجازه بود این ماده ناظر به آن قسمتی است که نمیکنیم و به علائمی بزیم مسکوک سالم خارج کنیم این است که این لایحه لازمست. مطلب دیگر راجع باین است که آیا اساعاری که تحصیل می شود ازین طرف خود خروج قمره تصدیق صدور و حق تحصیل جواز ورود می دهد

پانصد عدد از مبلغ بنظر بنده ایتالیا بطور مبادک معمرزاست که تصدیق صدور نمیدهد و حق جواز ورود نمیدهد و منظور همین بود که بدهد ولی آقایان که تذکر دادند بنده رجوع کردم در قانون سابق این گفته نشده است لهذا اگر که بخواهد یک کلمه اضافه شود که این را مستثنی بکند بنده مخالف نیستم .

رئیس - آقای دق

دق - عرض ندارم

رئیس - پیشنهادی آقای طهرانی کرده اند :

این جانب پیشنهاد میکنم در آخر ماده واحده عبارت ذیل اضافه شود : ولی صدور قمره مسکوک مجوز دادن تصدیق صدور صادر کنندۀ نخواهد بود

رئیس - آقای طهرانی

طهرانی - نظر بفرمایید که فرمودند در جلسات خصوصی چون ممکن است بنظر توازن لطمه زند و مجوز دادن تصدیق صدور باشد این است که نظر دولت هم این بود است که مجوز تصدیق صدور نخواهد بود

ولیر مالیه - بنده موافقم .

رئیس - قبول فرمودید ؟

ولیر مالیه - بل .

رئیس - - رأی میکبریم ماده واحده را افزایش پیشنهاد آقای طهرانی که آقای وزیر مالیه قبول فرمودند آقایان موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد .

۶۶ - **موقع و دستور جلسه بعد** - ختم جلسه |

رئیس - آقایان اگر موافقت می فرمایند جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده یکشنبه ۲۳ فر ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور تصویب کمترین مسیو آورده هست و سایر لوازم موجوده (مجلس نیتصت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

میتیم قانون مرور زمان احوال منقوله

ماده اول - اگر بوسیله عرضحال رسمی یا اظهار نامه قانونی حق خود را از دیگری مطالبه نمایند و بخواهند خود که طرف از تاریخ تقدیم عرضحال یا اظهار نامه در حال حیات بوده و با اگر طرف شرکئی بودم آن شرکت در تاریخ مزبور منحل بوده است این عرضحال یا اظهار نامه برای قلع مرور زمان بر علیه وراثت منوطی و یا بر علیه اشخاص یا شرکئی که قائم مقام شرکت منحل شده اند و با مسئول نهادت او میباشد کافی خواهد بود.

ماده دوم - تقدیم عرضحال رسمی یا اظهار نامه قانونی بعنوان وراثت طرف بدون تعیین اسمی یا جعل اقامت آنان و یا بعنوان اشخاص یا شرکئی که قائم مقام شرکت منحل گردیده و با مسئول نهادت او میباشد برای قلع مرور زمان کافی خواهد بود.

ماده سوم - اگر کسی قبل از اقصاء مهلت دو ساله که بموجب ماده (۸) قانون مرور زمان بموجب ۴ اسیر ماه ۳۰۸ مقرر است بوسیله عرضحال رسمی یا اظهار نامه قانونی حق خود را مطالبه کرده باشد مدتی مزبور منقطع شده و مدتی جدیدی که برای حصول مرور زمان لازم است یکسال از تاریخ اقباط خواهد بود علاوه بر شش ماه مدتی دو سال قبل از اقباط مهلت مذکور فوق فقط یکدفعه ممکن است.

ماده چهارم - این قانون بلافاصله پس از تصویب بموقع اجرا گذارده میشود.

این قانون که مشتمل بر چهار ماده است در جلسه سیزدهم تیر ماه یک هزار و سیصد و دوم شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی - دایر

قانون

اجازت خروج نقره مسکوکات از ایران

ماده واحد - وزارت مالیه مجاز است در مواردیکه دولت نقره مسکوکات را از ایران صلاح بداند اجازه خروج بدهد مشروط بر اینکه خارج کتفده تهید فروش اسمان به نفعی که بیشتر از نفع رسمی نباشد بمقتضای - ولی صدور نقره مذکور مجوز دادن تصدیق صدور صادر کننده نخواهد بود.

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه سیزدهم تیر ماه یک هزار و سیصد و دوم شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی - دایر